

سوال

معنای **سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ** و کلمه‌ی **بِسْمِ اللَّهِ** چیست؟ خواهشمندم توضیح دهید چون برای نماز به معنای این جملات خیلی نیاز دارم.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولاً:

کلمه‌ی تسبیح یعنی **سُبْحَانَ اللَّهِ** اصل بسیار بزرگی از اصول توحید، و رکنی اساسی از ارکان ایمان به الله عزوجل یعنی تنزیه و پاک دانستن او سبحانه و تعالی از هرگونه عیب و نقص و هرگونه وهم فاسد و گمان دروغین است.

اصل لغوی این کلمه نیز دال بر همین معنی است، چرا که از **سَبَّحَ** به معنای **دوری** گرفته شده است.

علامه‌ی لغوی **ابن فارس** می‌گوید: «عرب می‌گوید: **سُبْحَانَ مَنْ كَذَبَ** یعنی آن چیز چه دور است.

اعشی می‌گوید:

أقول لمن جاءني فخره سبحان من علقمة الفاخر

به آنکه سخن از فخرش به من رسیده می‌گویم چه دور از ست فخر و بزرگی از علقمه!

گروهی گفته‌اند معنایش این است که: عجیب است که فخر نمی‌ورزد. که این نیز نزدیک به آن است؛ زیرا به معنای دوری از فخر است» (معجم مقاییس اللغة: ۳ / ۹۶).

تسبیح الله عزوجل نیز به معنای دوری دل‌ها و افکار از گمان نقص به الله یا نسبت دادن شر به اوست، و تنزیه او از هرگونه عیبی که مشرکان و ملحدان به وی نسبت داده‌اند. سیاق قرآنی نیز به همین معنا آمده است، چنان که الله متعال می‌فرماید:

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ

[مومنون: ۹۱]

(الله فرزندی اختیار نکرده و با او معبودی [دیگر] نیست و اگر جز این بود قطعا هر خدایی آنچه را آفریده با خود می‌برد و حتما بعضی از آنان بر بعضی دیگر تفوق می‌جستند. منزّه است الله از آنچه وصف می‌کنند)

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (۱۵۸) سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ [صافات: ۱۵۸ - ۱۵۹]

(و میان او و جنیان پیوندی انگاشتند، و حال آنکه جنیان نیک دانسته‌اند که [برای حساب پس دادن] خودشان احضار خواهند شد (۱۵۸) الله منزّه است از آنچه در وصف می‌آورند).

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ [حشر: ۲۳]

(اوست الله که جز او معبودی [به حق] نیست، همان فرمانروای پاک منزّه [و سالم از هر عیب] ایمنی دهنده‌ی نگهبان پیروزمند جبار و شایسته‌ی عظمت و بزرگی است. الله پاک و منزّه است از آنچه [برای او] شریک می‌آورند).

و از جمله آنچه امام احمد در مسند (۳۸۴ / ۵) از حذیفه - رضی الله عنه - روایت کرده که در وصف قرائت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در نمازش می‌گوید: **و هرگاه از آیه‌ای می‌گذشت که در آن تنزیه الله عزوجل بود تسبیح می‌گفت** آلبانی در صحیح الجامع (۴۷۸۲) و همچنین محققان مسند احمد این روایت را صحیح می‌دانند.

امام طبرانی در کتابش **الدعاء** مجموعه‌ای از آثار را درباره‌ی تفسیر این کلمه آورده که همه را در بابی تحت عنوان **تفسیر التسبیح** (۴۹۸ - ۵۰۰) یکجا کرده است.

از جمله در این باب آمده است:

از ابن عباس - رضی الله عنهما - نقل است که **سبحان الله** یعنی تنزیه و پاک دانستن الله عزوجل از هر بدی.

و از یزید بن الاصم نقل است که مردی به نزد ابن عباس - رضی الله عنهما - آمد و گفت: **لا اله الا الله** را می‌دانیم که یعنی معبودی جز او نیست، و **الحمد لله** را می‌دانیم که همه‌ی نعمت‌ها از سوی اوست و او برای آن مورد ستایش است، و **الله اکبر** را می‌دانیم که هیچ چیز بزرگتر از او نیست، اما **سبحان الله** چیست؟

ایشان گفت: **کلمه‌ای است که الله عزوجل برای خود پسندیده و ملائکه‌اش را به آن دستور داده و نیکان خلقش به سویش شتافته‌اند.**

و از عبدالله بن بریده نقل شده که مردی از علی - رضی الله عنه - درباره‌ی **سبحان الله** پرسید. ایشان فرمود: **بزرگداشت**

جلالِ الله.

و از مجاهد روایت است که گفت:

تسبیح یعنی: دور دانستن الله از هر بدی.

و از میمون بن مهران نقل است که گفت:

سبحان الله: بزرگداشت الله است. نامی است که با آن الله بزرگ داشته می‌شود.

و از حسن بصری روایت است که گفت:

سبحان الله، نامی است ممنوع که هیچ یک از خلق نتوانسته‌اند آن را به خود منتسب کنند.

و از ابو عبیده معمر بن المثنی نقل است که گفت:

سبحان الله: یعنی تنزیه الله و پاک داشتن او.

طبرانی از فضل بن الحباب نقل کرده که گفت: از ابن عائشه شنیدم که می‌گفت: عرب هرگاه چیزی را انکار کند و بزرگ بدارد (بد بداند) می‌گوید: سبحان گو آنکه این تنزیه و پاک دانستن الله عزوجل از هر سوء و بدی است که شایسته نیست به غیر از صفت او و وصف شود...

شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می‌گوید:

امر به تسبیح او همچنین به معنای پاک دانستن او از هر عیب و بدی و اثبات صفت کمال برای اوست، زیرا تسبیح مقتضایش تنزیه و بزرگداشت است و بزرگداشت مستلزم اثبات عواملی است که برایش مورد ستایش قرار می‌گیرد، و اینها مستلزم تنزیه و ستایش و تکبیر و توحید اوست (مجموع الفتاوی: ۱۶ / ۱۲۵).

ثانیا:

اما معنای **وبحمده** به اختصار جمع بین تسبیح و حمد است، یا بر وجه حال، و یا بر وجه عطف، به این صورت: تسبیح الله را در حالی که ستایشگر او نیز هستم به جای می‌آورم. یا: تسبیح الله را به جای می‌آورم و حمد او را نیز می‌گویم.

حافظ ابن حجر - رحمه الله - می‌گوید:

«گفته شده این واو برای حال است، به این معنی: برای به دست آوردن توفیق الله تسبیح او را به جای می‌آورم در حالی که

حمد او را نیز می‌گوییم.

و گفته شده این واو برای عطف است، به این معنی که: تسبیح الله را می‌گوییم و حمدش را نیز به جای می‌آورم.

و احتمال دارد که حرف ب [در و بحمده] متعلق به محذوف متقدم باشد به این معنی: و با گفتن حمدش او را ستایش می‌کنم. در این صورت سبحان الله یک جمله‌ی مستقل و بحمده یک جمله‌ی دیگر است.

خطابی درباره‌ی حدیث **سبحانك اللهم ربنا وبحمدك** می‌گوید: یعنی: با نیرویت که خود نعمتی است مستوجب حمد تو تسبیح می‌گوییم نه با نیرو و توان خودم، گو اینکه می‌خواهد بگوید این از جمله مواردی است که در آن سبب در مقام مسبب قرار گرفته‌».

فتح الباری (۵۴۱ / ۱۳) و نگا: النهاية في غريب الحديث ابن اثير (۴۵۷ / ۱).

معنای بسم الله را پیشتر هنگام پاسخ به سوال شماره‌ی (21722) توضیح و شرح داده‌ایم.

والله اعلم.